

هیئت رایة العباس (ع) مسجد سناباد
بیش از ۴ دهه پرچم دار ترویج فرهنگ عاشورا است

امانت دار نسل جنگ

مهندس صدرا در دل یکی از محله های قدیمی مشهد، جایی که دیوارهای خانه ها و فضای مسجد از خاطرات محرم لبریز است. هیئتی ریشه دار، بیش از چهار دهه است که خادمان کوچک و بزرگ را گرد خود جمع کرده است. اوایل دهه ۱۳۶۰ زمانی که کشور درگیر دفاع مقدس بود، نهالی کوچک به نام «هیئت رایة العباس (ع)» در دل محله صاحب الزمان (عج) کاشته شد. این نهال امروز به درختی پر بار از عشق و ایثار تبدیل شده است. اینجا نه فقط محل برگزاری مراسم، که خانه دوم بسیاری از اهالی و پایگاهی برای پرورش نسلی عاشق اهل بیت (ع) است.

هیئت «رایة العباس (ع)» زاده جلسات خانگی پنجشنبه شب هادر محله صاحب الزمان (عج) بود که از سوی رزمندگانی که دل در گرو اهل بیت (ع) داشتند، در دهه ۶۰ شکل گرفت. هم زمانی که تعدادی از آن ها در همان سال ها به شهادت رسیدند؛ نظیر شهید محمد سعادت جو که بعد ها پایگاه بسیج مسجد سناباد نیز به نام او شد. این هیئت هنوز هم علاوه بر پنجشنبه شب ها، در ایام و مناسبت های خاص مثل محرم و صفر برنامه دارد.

برای گفت و گو با مسئولان هیئت و پیر غلامانی که سال ها است در این هیئت فعالیت دارند به مسجد سناباد رفتیم؛ مسجدی قدیمی که چندی باری به دست اهالی بازسازی شده است.

داستان جلد

به گفته مسئولان هیئت، برنامه های آن تا قبل از اینکه اعضایش به هفتصد نفر برسد، در خانه هیئتی ها برگزار می شد، اما با گذشت زمان و افزایش تعداد عزاداران، مراسم را به مسجد منتقل کردند و هر وقت که برنامه های ویژه ای مثل عزاداری شب های تاسوعا و عاشورا دارند، به خاطر جمعیت زیاد و کمبود فضا، از خانه ها در دبیرستان «امیر معزی» روبرو مسجد پذیرایی می کنند.

محمدرضا نداف شرقی از چهره های قدیمی مسجد سناباد و یکی از بنیان گذاران هیئت می گوید: «رایة العباس (ع)» در دل خانه های قدیمی این محله شکل گرفت. زمانی که ما نوجوان بودیم در هیئت قدیمی محله سعدآباد که رئیس آن را «شاه غلام» صدا می کردیم، سینه می زدیم و هیئت داری را آنجا یاد گرفتیم. بعد از فوت شاه غلام، آن هیئت به جای دیگری رفت و ما هم که بزرگ تر شده بودیم، تصمیم گرفتیم «رایة العباس (ع)» را تأسیس کنیم. پنجشنبه شب ها به خانه یکی از هم محلی ها می رفتیم و بعد از اقامه نماز و سخنرانی، دعای کمیل می خواندیم. شور و فضای معنوی که سال های جنگ بین مردم بود، باعث شد به فکر برگزاری مراسم مفصل تری در ایام محرم بیفتیم. همه محلی ها دست به دست هم دادند تا هیئت شکل گرفت و همه در برپایی آن سهیم شدند. مشارکت اهالی از همان اوایل دهه ۶۰ در برپایی هیئت داوطلبانه است، از پیر تا جوان همه در خدمت مراسم هستند.

نوجوانان هیئتی دیروز، پیر غلامان امروز

آقای محمدرضا از افرادی همچون آقایان حیدرزاده، ازغدی، پنداشتی پور، ریاحی، سهیلی، ظهوریان، رستگار و مرحوم علی عرفایی و... نام می برد و می گوید: این افراد از پیشکسوتان هیئت هستند. بچه های دهه ۴۰ که از دوران نوجوانی در جبهه بودند و هنوز هم به جز برنامه های هیئت ماهی یک بار دور هم جمع می شوند تا بیشتر از حال یکدیگر

خبردار شوند و کارهای محله را هم حل و فصل کنند. محمدرضا ریحانی یکی دیگر از ارادتمندان این هیئت می گوید: بیست سالی می شود که از تهران به مشهد آمده و اینجا ساکن شده ام. از طریق مسجد با هیئت آشنا شدم. حضور در این هیئت برایم برکت داشته است و هرکاری بتوانم چه مالی و چه اجرایی انجام می دهم. از نگاه او، آنچه این هیئت را متفاوت کرده، مدیریت مشارکتی آن است. آقای محمدرضا می گوید: در هیئت به روی همه کسانی که به اهل بیت (ع) ارادت دارند، باز است. هرکس بخواهد کاری انجام دهد، برایش فضا وجود دارد. همه رده های سنی اینجا فعال هستند و همین باعث دوام و رشد هیئت شده است.

جلال ترشیزیان پنجاه و هفت ساله یکی دیگر از همان رزمندگان هیئتی است که پایگاه بسیج و هیئت را در محله راه انداخته اند. او می گوید: نوجوان بودیم که جذب پایگاه بسیج، مسجد و هیئت شدیم. ریشه های این هیئت به قبل از انقلاب اسلامی برمی گردد. درست است که هیئت قدیم سعدآباد از اینجا رفت، اما اعتقاد و باور عمیق مردم اینجا به امام حسین (ع) این ساختار معنوی را حفظ کرده است و حالا روزه بزرگ تر از قبل می شود. آن هایی که به این هیئت می آیند، با جان و دل پای کار آن هستند.

برای خدمت به زائر و مجاور همه کار می کنیم

محسن حیدرزاده، یکی از همان جوان های قدیم هیئت و متولد دهه ۶۰ است که حالا مسئولیت هیئت را برعهده دارد. او از همان کودکی پایه پای پدرش حاج قاسم در هیئت حضور داشته است و خاطرات بسیاری دارد. زیرزمین و حیاط منزل حاج قاسم حالا محل دائمی آشپزی های مسجد است. او می گوید: با اینکه سن و سال کمی داشتم، پدر همیشه به میل خود من را به مراسم می آورد، به ویژه ایام محرم و صفر. سینه زنی های آن دوران هیچ وقت فراموشم نمی شود. حالا هم هر کار از دستم برآید،

